

پژوهشنامه قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

No. 34, Spring & Summer 2024

شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۴۰۳

صص ۱۲۳-۱۵۶ (مقاله پژوهشی)

ابعاد حریم خصوصی از منظر نهج البلاغه با تأکید به شرح‌های پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام و مصباح‌السالکین

مهدیه اسماعیلی^۱، حمید حمیدیان^۲، احمد زارع زردینی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱)

چکیده

حریم خصوصی به عنوان یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های حقوق بشر همواره در جوامع و مکاتب گوناگون، از جایگاه ویژه و بسزایی برخوردار بوده است؛ لکن علی‌رغم نقش پررنگ آن در زندگی افراد و پیشینه‌ای که از آن برخوردار است، هنوز بر سر تعریف مشخصی از آن توافق نشده است. حضرت علی علیه السلام در سخنان گهربار خود در کتاب نهج‌البلاغه، این حق را در قالب حمایت از حقوق دیگر به رسمیت شناخته و تقض آن توسط دیگری را بر نمی‌تابند. در این پژوهش با استفاده از اسناد کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی، مفاهیم مرتبط با حمایت حضرت علی علیه السلام از حریم خصوصی، از نهج‌البلاغه استخراج گردیده و در سه حوزه‌ی جداگانه مربوط به اموال، جسم و جان و روح و روان و با نیم‌نگاهی به شروح پیام امام امیرالمؤمنین آیت‌الله مکارم شیرازی و مصباح‌السالکین این مبهم مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میزان اهمیت بی‌بدیل ایشان نسبت به حفظ این حق، نمود عینی یافته است.

کلیدواژه‌ها: امام علی علیه السلام، نهج‌البلاغه، حریم خصوصی، تفسیر کاربردی، مصباح‌السالکین، شرح پیام امام.

۱. دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، m.esmaili1991@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم قرآن حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران. (نویسنده مسئول)، hamidiyan@meybod.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم قرآن حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد، میبد، ایران، zarezdini@meybod.ac.ir

۱- مقدمه و بیان مسئله

حریم خصوصی یکی از مفاهیم مهم حقوق بشر در حوزه روابط اجتماعی افراد به حساب می‌آید. این مفهوم با حفظ کرامت انسانی ارتباط مستقیم دارد. به عبارتی دیگر، حفظ حریم خصوصی نمادی از حفظ شأن و شخصیت و کرامت افراد است. علی‌رغم اهمیت وافر این حق، لکن مفهوم حریم خصوصی از جمله مفاهیمی است که پژوهشگران در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله جامعه‌شناسی و حقوق، در تعریف و تعیین ابعاد و حدود آن به مشکل برخوردند و همواره موضوعی چالش برانگیز بوده است. اگرچه به نظر می‌رسد حریم خصوصی انگاره‌ای است که به صورت ملموس و غریزی در وجود هر فرد وجود دارد و هرکس به طور بداهه تعریف آن را می‌داند، لکن با توجه به پیوندی که با انسان و فرهنگ و دین و به طور کلی با ارزش‌های جامعه دارد و نیز بر اساس ایدئولوژی نظریه پردازان و سطح دیدگاه‌های آن‌ها، از تعریفی نسبی و سیال برخوردار است. به هر حال، با توجه به اهمیت ویژه‌ی این موضوع، در تمام کشورها، قوانینی جهت حفاظت از حریم خصوصی افراد، تصویب گردیده است. از جمله آن‌که اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصونیت از تعرض به حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص را مورد تأکید قرار می‌دهد. لکن قرن‌ها پیش‌تر از تصویب تمام قوانین حقوقی حفظ حریم خصوصی، دین مبین اسلام، مدافع بی‌چون و چرای این حق بوده است. آیات فراوان از قرآن کریم در این زمینه و نیز روایات بی‌شمار به جا مانده از رسول الله ﷺ و نیز ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، شاهد مثال اثبات این مسئله هستند. کتاب بی‌بدیل نهج‌البلاغه که حاوی بیانات امیرالمؤمنین است، در این بین، جایگاه ویژه‌ای داشته و محتوای آن از همان ابتدای تالیف توسط سیدرضی، مورد امعان نظر محققان قرار گرفته است؛ اگرچه مباحث مرتبط با حریم خصوصی، آن‌چنان که باید و شاید، مورد تدقیق قرار نگرفته و اثر مستقلی در این زمینه چاپ نگردیده است. بنابراین اثر پیش رو در صد

جبران این نقیصه است. این مقاله در صدد پاسخگویی به سوالات ذیل است:

- (۱) آیا در نهج‌البلاغه، به موضوع حق حریم خصوصی و حمایت از آن اشاره شده است؟
- (۲) با فرض مثبت بودن جواب سوال فوق، حمایت از حریم خصوصی افراد، به چه شکل و در چه حوزه‌هایی صورت پذیرفته است؟
- (۳) موضوع مورد نظر در شرح پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام آیت الله مکارم شیرازی و مصباح‌السالکین ابن‌میثم بحرانی چه نمودی دارد؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در رابطه با مباحث حریم خصوصی و فضای مجازی و ارتباط این‌ها با هم و با اسلام و نهج‌البلاغه، تا کنون کتب، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی به چاپ رسیده است: در پایان نامه‌ای تحت عنوان «حریم خصوصی فرد و عوامل نقض آن از دیدگاه قرآن و روایات» (۱۳۹۳)، اثر رحمانی خانقاهی، موضوع تضمین حریم خصوصی در حقوق شهروندی، از نگاه قرآن و نهج‌البلاغه بیان و تحلیل شده است. انصاری مؤلف مقاله‌ی «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران» (۱۳۸۳)، بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است و مقوله‌های مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است؛ با این وجود، در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی، اهمیت این حق آن‌چنان‌که باید درک نشده است.

محمد اسحاق مسعودی (۱۳۹۶)، کتابی به نام «حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه» را به رشته‌ی تحریر درآورده است. وی به مباحثی هم‌چون محدوده و حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، مبانی نظری نگاه اسلامی و غربی در حریم خصوصی و نظارت اجتماعی، تبیین چگونگی تعامل بین دو حوزه‌ی حریم خصوصی و نظارت اجتماعی و شیوه‌های نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج‌البلاغه پرداخته و بر

اساس روایات، حریم خصوصی را از سه بُعد (جسمی-روحي-مالي) بررسی نموده است. در سه اثر فوق، نامی از فضای مجازی به میان نیامده است.

مریم صانع پور، نگارنده کتاب «اخلاق شهروندان دنیای مجازی، با تمرکز بر قرآن و نهج البلاغه» (۱۳۹۶)، معتقد است اسلام به عنوان یک آیین جهانی، با مجموعه‌ای از مشترکات اخلاقی مبتنی بر فطرت انسان، امکان ارتباطات اخلاقی را برای انسان‌ها و جوامع مختلف فراهم می‌کند. منظور نگارنده از آموزه‌های اخلاقی که عموم مردم را مخاطب قرار داده، همان آموزه‌های عقلی اخلاق ارشادی است که به علت ابتدا بر عقل مشترک، قابل توجیه برای همه آحاد مردم و مورد پذیرش ایشان است. بنابراین با استفاده از آموزه‌های اخلاق ارتباطی قرآن و حدیث، می‌توان منظومه‌ای اخلاقی مبتنی بر مشترکات انسانی طراحی کرد که پاسخگوی دغدغه‌های جامعه‌ی جهانی در عصر ارتباطات باشد. این اثر، راهکار اخلاقی را به عنوان راهکاری کلی و همه‌پسند، برای حل مشکلات فضای مجازی مطرح نموده و به راهکارهایی برای حل معضل نقض حریم خصوصی در فضای سایبر اشاره نشده است.

انصاری مؤلف مقاله‌ی «حریم خصوصی و حمایت از آن در حقوق اسلام، تطبیقی و ایران» (۱۳۸۳)، بر این باور است که قدمت حمایت از حریم خصوصی در حقوق اسلامی بسیار بیشتر از سایر نظام‌های حقوقی است و مقوله‌های مختلف این حق با مبانی مستحکمی مورد حمایت قرار گرفته است؛ با این وجود، در تدوین قوانین و مقررات مختلف مرتبط با حریم خصوصی، اهمیت این حق آن‌چنان که باید درک نشده و حمایت‌های لازم از آن صورت نگرفته است.

«اهمیت حریم خصوصی در فقه اسلامی» عنوان مقاله‌ای از غلامعلی پور است. محقق در این مقاله به مسئله‌ی حریم خصوصی که از اساسی‌ترین مفاهیم حقوق بشر است اشاره و از آن حمایت می‌نماید. وی در یک تقسیم‌بندی کلی حریم خصوصی را به حریم مادی مشتمل بر حریم مکانی، جسمانی و اموال و حریم معنوی شامل حریم اطلاعات، ارتباطات و حیثیت اجتماعی تقسیم می‌کند.

خواجه‌پیری (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «قلمرو حریم خصوصی در اسلام» همان‌گونه که از عنوان مقاله پیداست، به بررسی قلمرو حریم خصوصی در اسلام پرداخته است. «ارائه و تحلیل مدل اخلاقی اسلام در ورود به حریم خصوصی» عنوان مقاله‌ای از درگاه‌زاده و دیگران (۱۳۹۶) است. در این مقاله، مستندات حمایت از حقوق حریم خصوصی و نیز موارد مجاز ورود به آن در آموزه‌های اسلامی گزارش و بررسی شده‌اند.

نگارنده‌ی پایان‌نامه‌ی «بررسی فقهی و حقوقی حریم خصوصی و ورود به آن» از صدیق میرزایی (۱۳۹۱) جهت تأمین اهداف این پژوهش، با بهره‌گیری از منابع معتبر اسلامی، فقهی و حدیثی، مواردی از جمله ادله‌ی فقهی ممنوعیت نقض حریم خصوصی، ماهیت حریم خصوصی، ممنوعیت تجسس و... را مورد مذاقه قرار داده و در پایان حریم خصوصی را در ایران و سایر کشورها بررسی نموده است.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود هیچ‌یک از آثار فوق به صورت ویژه، متن نهج‌البلاغه و شروح مرتبط با آن را جهت استخراج مفاهیم مرتبط با حریم خصوصی، مورد تدقیق قرار نداده‌اند. پژوهش حاضر در صدد انجام این مهم است.

۲- مفهوم حریم خصوصی

برخی همچون دانیل جی سولو^۱ حریم خصوصی را مفهومی تعریف ناپذیر و مبهم می‌دانند (Solove, 1-12). گروهی دیگر از جمله ساموئل وارن^۲ و لوئیس دی براندیس^۳ حریم خصوصی را حق تنها بودن دانسته‌اند (Warren and Brandeis). ویلیام پروسر^۴، حق حریم خصوصی را به صورت چهار شبه جرم «مزاحمت، افشاگری، نمای دروغین، تصاحب» تعریف کرده است (Prosser, 389). دیگری حریم خصوصی را قلمرویی از زندگی افراد می‌داند که ابداً تمایل ندارند که دیگران بدون اجازه آن‌ها وارد این قلمرو شده

1. Daniel J. Solove

2. samuel warren, 1852- 1910.

3. louis D brandeis, 1856- 1941.

4. William Prosser, 1972- 1898.

یا از آن آگاهی یابند (کارل، ۱۳۷۰: ۴۲). در واقع حریم خصوصی قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً عرفاً یا با اعلان قبلی انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند و یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند (انصاری، ۲۳۲). کمیته کالکات انگلستان^۱، حق حریم خصوصی را «حق افراد برای حمایت شدن در مقابل ورود بدون اجازه به امور زندگی و خانواده‌هایشان با ابزار مستقیم فیزیکی یا به وسیله‌ی نشر اطلاعات» دانسته است. به این حق در ماده‌ی ۱۲ اعلامی حقوق بشر نیز اشاره شده است: «نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات هیچ‌کس دخالتی صورت گیرد» (ثروتی و مومنی ازدریانی).

شورای اروپا نیز در قطعنامه‌ای حریم خصوصی را این چنین تبیین کرده است: «حق حریم خصوصی به زندگی خصوصی، خانوادگی و مسکن، تمامیت جسمی و روحی، آبرو، اعتبار و شهرت و حیثیت افراد، اجتناب از این‌که چهره‌ی کاذب از فرد ساخته شود، افشا نکردن وقایع و حقایق نامربوط و آزاردهنده، عدم افشای غیرمجاز تصاویر خصوصی، حمایت از عدم افشای اطلاعاتی که بر اثر اعتماد اشخاص وصول کرده‌اند یا در اختیار آن‌ها قرار گرفته است، مربوط می‌شود» (انصاری، ۱۹). در اصل بیست و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز جان، مال و حیثیت انسان‌ها به عنوان حریم خصوصی‌شان مورد حمایت قرار گرفته است: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است؛ مگر در مواردی که قانون تجویز کند».

تعریف ذیل از حریم خصوصی، تعریفی جامع و شامل و برآیند تمام تعاریف این حریم است و مفاهیم مطروحه از حریم خصوصی در پژوهش حاضر، بر مبنای این تعریف خواهند بود: «حریم خصوصی عبارت از قلمرو و محدوده‌ای از زندگی است که فرد در آن از امنیت و احترام و کرامت انسانی در ابعاد جسمی، مالی و حیثیتی بر اساس شرع و قانون

1. culcutt committee

برخوردار باشد و بتواند از حق سلطه‌ی خود در این حوزه‌ها بهره‌مند و از تعرض دیگران مصون باشد» (مسعودی، ۵۶).

۲-۱. حریم خصوصی در اسلام

آنچه از غور در متون دینی و منابع فقهی از جمله قرآن کریم نهج‌البلاغه به دست آمده این است که علی‌رغم اشارات مستقیم و جزئی‌نگرانه به مفاهیم حریم خصوصی، لکن از این اصطلاح نامی به میان نیامده است؛ اگرچه به جرأت می‌توان گفت که در نظام حقوقی اسلام، به اندازه‌ای به مفاهیم مرتبط با حفظ حریم افراد اشاره شده که در هیچ‌یک از نظام‌های حقوقی دنیا، چنین اشاراتی وجود ندارد. مسئله‌ی تجسس که یکی از مصادیق بارز شکستن حریم خصوصی افراد است، به طور مستقیم در آیه‌ی دوازدهم سوره‌ی حجرات به آن اشاره شده است. هم‌چنین مفاهیم استیناس (النور، ۲۷) و استیذان (النور، ۲۸) مطرح‌شده در قرآن نیز ناظر به عدم نقض حریم خصوصی دیگران هستند. موارد متعددی از لزوم حفظ حریم دیگران در روایات شیعه مشهود است. از جمله آن‌که از رسول اکرم نقل شده که «درباره‌ی لغزش‌های مومنین تجسس نکنید، زیرا هرکس لغزش‌های برادران مومن خود را پی‌جویی کند، خداوند لغزش‌های خود او را پی‌جویی نموده، او را بی‌آبرو خواهد کرد» (کلینی، ۳۵۵/۵). در حدیثی از امام صادق آمده که اگر کسی به سخن گروهی بدون رضایت آنان گوش دهد، در روز قیامت در دو گوش وی سرب داغ ریخته می‌شود (عروسی حویزی، ۹۳/۵). امیرالمومنین نیز عظیم‌ترین گناهان را خوردن به ناحق و تجاوز به مال یک مسلمان می‌دانند (حرانی، ۲۱۶/۱). در روایتی مشهور از رسول خدا تقسیم جامعی از محدوده حریم خصوصی صورت گرفته است: «المُسْلِمُ حَرَامٌ كُلُّهُ مَالُهُ وَ دَمُهُ وَ عَرَضُهُ»؛ (مسلمان از هر جهت حرمت دارد؛ مالش، خورش و آبرویش) (محقق حلی، ۳۰۷/۱).

از مجموع این احادیث چنین برمی‌آید که دین اسلام، نه تنها افراد را مجاز به نقض حریم خصوصی مسلمانان و حتی غیر مسلمانان نمی‌داند، بلکه به شدت از این کار نهی نموده و عواقب دنیوی و اخروی این رذیله را متذکر می‌شود.

۲-۲. حریم خصوصی در نهج البلاغه

امام علی علیه السلام در خطابه ای در نخستین روزهای پس از خلافتشان، خطاب به مردم فرمودند که (هر کس از شما بتواند خدا را در حالی ملاقات کند که دستش از خون و اموال مسلمانان پاک، و زبانش از عرض و آبروی مردم سالم ماند، باید چنین کند) (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۷۶). به یقین چنین کسی از تقوای فراوانی برخوردار است؛ چه تقوایی از این بالاتر که اذیت انسان به هیچ کس نرسد و اصول سه گانه‌ی احترام انسان‌ها را رعایت کند: احترام جان و مال و آبرو. این موضوع به قدری مهم است که رعایت آن، نشانه‌ی مسلمان بودن و ترک آن دلیل بر بیگانگی از اسلام است (مکارم و همکاران: ۵۷۹/۶). امام در این بیان دستور می‌دهند که مردم بکوشند خداوند را با حالاتی که او ذکر می‌کند دیدار کنند. یعنی دستشان به خون مسلمانان آلوده نباشد و دست تعدی به اموال مسلمانان دراز نکرده باشند. دیگر این که زبان تعرض به حیثیت مسلمانان نگشوده باشند و مراد از این غیبت و ناسزاگویی است (بحرانی، ۶۵۹/۳).

نامه‌ی شصتم، از جانب حضرت به فرماندارانی ارسال شده که لشکر اسلام از شهرهایشان عبور می‌کند. عدم تعدی به حریم خصوصی افراد در زمینه‌ی مال و جسم، به وضوح به چشم می‌آید. ایشان «بر آزار رساندن به دیگران و پرهیز از هرگونه شرارتی» تاکید نموده و با اعلام صریح بیزاری از آزار رساندن سپاهیان به مردم، آن‌ها را از این عمل نهی کرده و خواستار کیفر افراد ستمکار و متعرض به حقوق مردم می‌شوند.

بر اساس آنچه که از کلام امام علی علیه السلام به دست آمده، گستره‌ی حریم خصوصی از سه بُعد اموال و دارایی‌ها، جسم و جان و روح و روان و مطابق شروح نامبرده مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱. مستندات حریم خصوصی مرتبط با اموال در نهج البلاغه

مال و مالکیت افراد از بنیان‌های اصلی جوامع به حساب می‌آید. «در لغت به هر آن چه

که شایسته مالکیت درآمدن و حیازت باشد، مال گویند؛ به عبارت دیگر هر عین یا منفعتی را که انسان در عمل مالک شود به آن مال گویند» (طاهری و انصاری، ۱۴۴۵). گفته شده که مال چیزی است که ارزش داد و ستد دارد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده می‌شود و از نظر اقتصادی ارزش مبادله داشته باشد (امامی، ۲۶). مطابق دیدگاه شهید ثانی در لمعه، هر چیزی که دارای منفعت باشد مال به شمار می‌آید (شهیدثانی، ۱۲۴/۳). با این تعاریف می‌توان گفت که اهمیت دارایی‌ها، مسئله‌ای است که در سخنان امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه وجود دارد و به کرات و در مناسبت‌های گوناگون به آن پرداخته شده است. به طور نمونه، انفاق و کمک به مستمندان از اهم موضوعاتی است که در قرآن و روایات علی‌الخصوص اخ‌القرآن، بر آن تأکید فراوان شده است. بدیهی است که اگر اصالت تعلق اموال به افراد به رسمیت شناخته نشود، تشویق انسان‌ها به انفاق اموال شخصی خودکاری عبث خواهد بود. ایشان مال را متعلق به صاحب آن دانسته و لذا افراد را تشویق می‌کنند که به هنگام تنگدستی با دادن صدقه با خدا تجارت کنند (سیدرضی، حکمت ۲۵۸). مستندات حریم خصوصی مرتبط با اموال، ذیل دو عنوان «تعلق اموال به صاحبان آن» و «تقسیم و عدم جواز مال نامشروع (عدم تعرض به اموال غیر)» مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

۲-۲-۱-۱. تعلق اموال به صاحبان آن

فردی که از لحاظ شرعی و حقوقی صاحب مال محسوب می‌شود، مجاز است به نحو دلخواه از اموال خود بهره‌برداری نماید. در بیانات حضرت علی علیه السلام به این موضوع پرداخته شده است و ایشان اموال شخصی را -که حریم خصوصی آن‌ها حساب می‌شود و هیچ فردی تعرض به این حق را جایز نمی‌شمارد- فقط متعلق به افراد دانسته و به آن اصالت می‌بخشند.

۲-۲-۱-۱-۱. اشاره مطلق به شخصی بودن اموال

نامه‌ی ۲۴ دربردارنده‌ی وصیت اقتصادی حضرت نسبت به اموال شخصی ایشان است و

به زیبایی و وضوح، مال، جزء حریم شخصی افراد دانسته شده که می‌توان آن را در راهی که مورد پسند است، به مصرف رساند. مولف شرح پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام و نیز مصباح السالکین، این نامه را وقف‌نامه دانسته‌اند (مکارم و همکاران، ۹ / ۲۸۱؛ بحرانی: ۷۰۵/۴). حضرت سرپرستی اموال شخصی خویش را به فرزند ارشدشان می‌سپارند که آن‌گونه که رواست، آن را مصرف نموده و از آن انفاق کند. از جمله‌ی «وَيُنْفِقُ مِنْهُ بِالْمَعْرُوفِ» به خوبی استفاده می‌شود که این موقوفه جنبه‌ی خاص و عام داشته؛ بخشی از آن متعلق به فرزندان آن حضرت و بخشی دیگر به همه نیازمندان و مؤمنان اختصاص پیدا کرده است (مکارم و همکاران، ۹/۲۸۵). نیز اشاره می‌کنند که اگر برای حسن حادثه‌ای رخ داد، حسین سرپرستی آن را پس از برادرش بر عهده گیرد. ایشان حتی در مورد سود حاصل از اموالشان نیز وصیت می‌کنند و از فرزندانشان می‌خواهند که اصل مال را حفظ کرده و از میوه و درآمدش بخورند و انفاق کنند. آنچه را امام در این‌جا بیان فرموده قاعده‌ای کلی در همه موقوفه‌هاست که باید اصل آن مال سالم بماند و تنها درآمدش در موارد وقف صرف شود (همان/۲۸۸).

در حکمت ۳۳، امام اول شیعیان افراد را به بخشنده بودن و در عین حال، عدم بخشش بی‌ضابطه و توأم با زیاده‌روی توصیه می‌کنند. این توصیه‌های اقتصادی، گویای این است که اصالت اموال شخصی افراد برای حضرت جایگاه ویژه‌ای دارد. ایشان با این عبارت در صدد رساندن این پیام به مخاطبان هستند که اگرچه اموال شما، متعلق به شماست؛ لکن در مصرف آن اعتدال ورزیده و دچار افراط و تفریط در بخشش نشوید (همان: ۲۲۵/۱۲). و این گویای آن است که ایشان، اموال افراد را متعلق به آن‌ها دانسته و تنها نسبت به چگونگی مصرف اموال شخصی، پندشان می‌دهند. در خطبه‌ی شانزدهم حضرت امیر علیه السلام در مجموعه‌ای از اندرزها نسبت به مردم، خطاب به آنان می‌فرماید که: «مردم درون خانه‌ی خویش جای گیرید» (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۶) و در دسته‌بندی‌های منافقان و تفرقه‌اندازان شرکت نجوید (همان، ۱/۵۳۴). در این‌جا نیز ایشان با آوردن لفظ «خانه‌ی خویش»،

تلویحا به این موضوع اشاره دارند که خانه‌ها و منازل افراد، حریم شخصی آنان است و برای همه شناخته شده بوده و کسی تجاوز به این حریم را پسندیده نمی‌داند.

۲-۲-۱-۱-۲. ارث

امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج‌البلاغه به حفظ حریم خصوصی اموال تأکید دارند؛ ایشان در خطبه‌ی ۱۳۲، ضمن یادآوری پایان عمر، از همگان می‌خواهند که مرگ که دیر یا زود گریبانشان را خواهد گرفت، فراموش نکنند. حضرت با نگاهی عبرت‌آموز به سرنوشت بی‌بدیل افراد و بی‌اهمیتی دنیا، فضای پس از مرگ افراد را به خوبی ترسیم می‌نماید. آن‌جا که منزل آن‌ها از کاخ‌های استوار، به گورستان مبدل گردیده و اموالی که به سختی جمع‌آوری کرده بودند، به وارثان رسید. در این‌جا، حضرت ارثیه را به رسمیت شناخته و آن را از آن وارث می‌دانند. در واقع حریم خصوصی اموال فرد را حتی برای پس از مرگ او، تصدیق نموده و وارثان را از این پس، صاحب آن اموال می‌دانند.

نیز در خطبه‌ی ۲۰۳، از مردم می‌خواهند که مقداری از ثروت خود را جلوتر بفرستند تا در نزد خدا باقی ماند و همه را برای وارثان مگذارند که پاسخ‌گویی آن بر آن‌ها واجب است. منظور این است که انسان تا وقتی در قید حیات بوده و توانایی افزودن توشه را دارد، مقداری از اموال خود را در راه خدا و برای آخرتش صرف کند و همه را برای وارث باقی نگذارد (بحرانی، ۸/۴). در این‌جا نیز تصدیق حریم خصوصی اموال توسط حضرت در متن نهفته است. در یک برداشت، امام، فرد را به انفاق اموالی که خود اندوخته و متعلق به خود اوست تشویق می‌نماید و در برداشت دوم، مال را پس از مرگ فرد، متعلق به وارثان می‌داند و این همان تأیید حقی است که افراد، در نگهداری و یا مصرف اموال خصوصی خود دارند.

۲-۲-۱-۱-۳. توصیه به مأموران جمع‌آوری مالیات

در نامه‌ی ۲۵ که دستورالعمل حضرت علی به مأموران جمع‌آوری مالیات است، نکات

ارزشمندی از دستورات اسلام در مورد چگونگی برخورد با صاحبان اموال دیده می‌شود (مکارم و همکاران، ۳۰۷/۹). امام با دستوراتی، در کنار توصیه‌ی کارگزاران مالیات به عدم ارباب و ترساندن مردم، از آنان می‌خواهند که چیزی فراتر از حقوق الهی از مردم اخذ نکنند و حریم خصوصی آنان را محترم شمارند؛ بدون اجازه‌ی مردم، به اموالشان دست درازی ننموده و فقط حقوق الهی در اموالشان را از آن‌ها دریافت کنند. هدف از این سفارشها و راهنماییها آن است که از مردم عزیزترین دستاوردشان که مال و منالشان باشد گرفته شود، از این‌رو برای جلب رضایت آنان تا این تکلیف سخت را بپذیرند نیاز به نرمی و ملایمت و مهربانی بیشتر است. لذا امام علیه السلام در این سخنان، کارگزارش را سفارش به انجام رفق و مدارا و آسان گرفتن کار، می‌فرماید تا دل‌های صاحبان اموال را برای ادای حقوق الهی جلب کند (بحرانی، ۷۱۲/۴). هم‌چنین در نامه‌ای دیگر، مضامینی مشابه آنچه گفته شد را به کارگزاران اخذ مالیات ابلاغ نموده و به آنان را مامور می‌نمایند که «برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی و مرکب سواری و برده‌ی کاری آنان را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - نمازگزار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است - دست اندازی نکنید». (سیدرضی، نامه‌ی ۵۱)؛ و این‌چنین مأموران را از گرفتن ضروریات زندگی افراد بازداشته و احترام به حریم اقتصادی افراد را محترم می‌شمارند. این دستور یکی از احکام کاملاً انسانی اسلام است که اجازه نمی‌دهد حتی از بدهکاران، ضروریات زندگی آن‌ها را برای ادای دین بستانند؛ بلکه اگر مال دیگری دارد از آن باید بهره گرفت و اگر ندارد باید به او مهلت داد تا زمانی که قدرت بر ادای دین خود پیدا کند (مکارم و همکاران، ۳۳۶/۱۰).

۲-۲-۱-۲. تقبیح و عدم جواز مال نامشروع (عدم تعرض به اموال غیر)

بسیاری از مشکلات و کمبودهای جوامع ناشی از مال حرام و نامشروع است (نراقی، ۳۳۵) و به این مهم در آیات متعددی از قرآن و روایات معصومین پرداخته شده است.

راه‌های تحصیل مال نامشروع، که در بیانات امام علی علیه السلام به آن‌ها اشاره گردیده، به شرح ذیل است:

۲-۱-۲-۱-۲-۱. نکوهش اکل مال حرام

اوج توجه امام علی علیه السلام به حریم خصوصی اموال افراد در نامه‌ی سوم نهج‌البلاغه که از سوی ایشان خطاب به شریح بن حارث نگاشته شده ملاحظه می‌شود. آن‌جا که حضرت، وی را بابت خرید خانه‌ای عتاب می‌کند که اگر آن خانه را با مال دیگران یا با پول حرام خریده باشد، خانه‌ی دنیا و آخرت را از دست داده است: «فَانظُرْ... لَّا تَكُونُ ابْتِغَتْ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكَ أَوْ نَقَدْتَ الثَّمَنَ مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ؛ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَ دَارَ الْآخِرَةِ». در تفاوت میان جمله‌ی «مِنْ غَيْرِ مَالِكَ» و جمله‌ی «مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ» با این‌که ظاهراً مضمون یکی است، ممکن است گفته شود که اولی اشاره به چیزی است که ظاهراً جزء اموال شخص نیست؛ مثلاً شریح خانه‌ای را که خریده قیمت آن را از بیت‌المال بردارد و بپردازد، چیزی که ظاهراً و واقعاً مال او نیست؛ اما «مِنْ غَيْرِ حَلَالِكَ» اشاره به اموالی است که ظاهراً مال اوست؛ ولی از طریق رشوه و غیر آن به دست آمده که حلال نیست (مکارم و همکاران: ۴۵/۹ - ۴۶). به هر صورت، حضرت با یادآوری مرگ و فنا او را از این بیم می‌دهند که مبادا مال حرامی را به تو تعلق ندارد و مایملک فرد دیگری است را برخورد رواداری و بدین ترتیب، حب دنیا را در دل خود جای داده و به سبب گناهایی که از حرام‌خواری گریبان‌گیری می‌شود، متحمل غضب الهی و خسران دنیا و آخرت بشوی (بحرانی، ۵۸۴/۴).

ایشان در خطبه‌ی ۱۵۱، با پرهیز دادن مردم از خوردن لقمه‌ی حرام، که در واقع مالی است که متعلق به فرد نیست و به دیگری تعلق دارد، حق حریم شخصی افراد را تأیید نموده می‌فرمایند: «لَا تُدْخِلُوا بُطُونَكُمْ لُعَقَ الْحَرَامِ»؛ (لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید). منظور از «لعق الحرام» کالا یا چیزهایی است که انسان در دنیا از غیر طریق شرعی به

دست می‌آورد. امام با به کار بردن واژه «لَعق»، پستی متاع دنیا را در مقایسه با لذات و بهره‌های آخرت گوشزد فرموده و هشدار داده که واجب است از آنچه نهی کرده دست باز دارند (بحرانی، ۴۱۷/۳).

۲-۲-۱-۲-۲. احتیاط در مصرف بیت المال

حضرت در خطبه‌ای که مشحون از مسائل مرتبط با عدالت اقتصادی است، به تساوی تقسیم بیت‌المال میان مردم اشاره دارند. امام در این خطبه، حق حریم خصوصی اموال افراد را تصدیق نموده و معتقدند که استفاده‌ی فرد از اموال فرد دیگر، ظلم است و ایشان از ستم به حقوق بندگان خدا بری هستند و هیچ مسلمانی را بر مسلمانان دیگر برتری نخواهند بخشید (خطبه‌ی ۱۲۶) و عدالت را فدای مقام نخواهند کرد (مکارم و همکاران: ۳۰۷/۵). مطابق این کلام، امتیازات فردی و قبیله‌ای از جمله صحابی رسول خدا بودن یا نسب خانوادگی، تاثیری در تقسیم بیت‌المال از جانب ایشان ندارد و هیچ کس نباید و نمی‌تواند با بهانه‌های واهی، دارنده‌ی مال دیگری باشد. چرا که این اموال، اموال خداست که آن را برای همه مساوی دانسته و اختیار آن را به آن‌ها سپرده است (خطبه‌ی ۱۲۶). از این خطبه به خوبی استفاده می‌شود که امیرمؤمنان اصرار داشته‌اند که بیت‌المال مسلمین همواره به‌طور مساوی در میان مسلمین تقسیم گردد و هیچ‌گونه امتیازی شریف بر وضع و شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و حتی سابقین در اسلام و حتی نیازمندان بر غیر آن‌ها نداشته باشند (مکارم و همکاران: ۳۱۱/۵).

حضرت علی علیه السلام در طولانی‌ترین نامه‌ی نهج‌البلاغه به مالک اشتر، او را بیش از پیش به رعایت حقوق مادی و معنوی مردم دعوت کرده می‌فرماید که حق را به صاحب حق، بیرداز (نامه‌ی ۵۳)؛ یعنی بدون توجه به موقعیت افراد و خویشاوندی یا عدم خویشاوندی آن‌ها با تو، باید نگاهیان حقوق مادی آن‌ها باشی و به معنای واقعی کلمه، به حریم خصوصی آن‌ها احترام بگذاری. با مطالعه‌ی عمیق تاریخ اسلام، ملاحظه می‌شود که

امیرالمؤمنین، نمونه‌ی بارز عمل به سخنان خود هستند. به گواه تاریخ، ایشان حاضر نشدند کمی بیشتر از حق مالی عقیل از بیت‌المال، به او بدهند. چرا که در این صورت، در حق دیگری اجحاف می‌شد و با عنایت به توجه حضرت به حریم شخصی مال انسان‌ها، ایشان چنین مسئله‌ای را برنتابید و نوع برخورد ایشان با برادر بزرگترشان، به عنوان الگویی نمونه در طول تاریخ، رخ‌نمایی می‌کند (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۲۴).

حضرت در نامه‌ای خطاب به زیاد ابن ابیه، وی را از تعرض به بیت‌المال برحذر می‌دارند. ظاهراً وی که از کارگزاران حضرت بوده، برای تقلیل خراج توطئه کرده بود (مکارم و همکاران، ۲۴۸/۹) که با چنین واکنشی از سوی امیر عدالت مواجه می‌شود. ایشان می‌فرمایند: «به خدا سوگند، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، درمانده و خوار و سرگردان شوی» (سیدرضی، نامه‌ی ۲۰). در واقع حضرت به او نسبت به این‌که بیت‌المال را که متعلق به آحاد مسلمین است، به لیست اموال خود اضافه کند، هشدار داده است.

۲-۲-۱-۲-۳. نکوهش غارت زیورآلات مسلمانان و غیرمسلمانان

امام علی علیه السلام در خطبه‌ی ۲۷ نهج‌البلاغه، کوفیان و نیروهای تحت امر خود را درباره‌ی حادثه‌ای عجیب که همان غارت زیورآلات زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان بود، مورد سرزنش قرار داده و عواقب تلخ و دردناک ترک جهاد را یادآور می‌شوند. جدای از بی‌حرمتی که در این میان نسبت به زنان صورت گرفته، امام، بابت این مسئله که افرادی یاغی، در حکومت اسلامی، به حریم خصوصی دیگران وارد شده و آن را نقض کرده و اموال خصوصی آن‌ها را به غارت برده‌اند، اظهار تأسف و ناراحتی شدید نموده و مرگ از روی تأسف برای این حادثه‌ی منکر را سزاوار می‌دانند؛ چرا که سربازان و یاران آن حضرت نتوانستند مانع تعرض یاغیان و شورشیان تحت فرماندهی معاویه به حریم شخصی افراد - اعم از مسلمان و غیرمسلمان - شده و در انجام وظایف خود، ناموفق بودند و

پایمردی ننموده و نظاره‌گر این حوادث تلخ بودند.

گویی، خاک مرگ بر سر آنان پاشیده بودند که چنین ننگ آشکاری را برای خود پذیرفتند؛ هم اموالشان به یغما رفته و هم نوامیسه‌شان مورد تعرض قرار گرفته و هم پناهندگان‌شان مورد ظلم و ستم واقع شده‌اند. دشمن، بدون هیچ رادع و مانعی، به سرزمینشان حمله کرده و بدون کمترین ضایعات، با دست‌پُر، به خانه خود برگشته است! (مکارم و همکاران، ۱۵۱/۲-۱۵۲)؛ حال آن که اموال مسلمین و حتی اهل ذمه، بسیار محترم است و به هیچ عنوان نباید مورد تجاوز و تعدی قرار بگیرد. بیانات امام علی علیه السلام در این رابطه، از منظر حریم خصوصی، از دو جهت قابل بررسی و تحلیل است: اول آن‌که هر فرد باید حافظ حریم خود باشد (که در این‌جا حریم اموال مدنظر است)؛ در غیر این صورت مطابق فرمایشات امام، چنین فردی خوار و حقیر می‌شود؛ و دوم آن‌که هیچ‌کسی حق تجاوز به حریم خصوصی اموال دیگری را ندارد. لازم به ذکر است که غارت به معنای چپاول و به تاراج بردن اموال دیگران است و با غنیمت که پس از جنگ مستقیم با دشمن عاید مسلمانان می‌شود تفاوت دارد.

۲-۲-۲. مستندات حریم خصوصی مرتبط با جسم و جان در نهج‌البلاغه

حرمت جان انسان و حق حیات او، خط قرمزی است که در نهج‌البلاغه، بسیار بر رعایت حدود آن تاکید شده و موارد آن به صورت موجز در ذیل خواهد آمد:

۲-۲-۲-۱. اشاره‌ی مطلق به حرمت خون

امام علی علیه السلام در بخشی از عهدنامه‌ی مالک، موضوع بسیار مهم حرمت خون انسان‌ها را مطرح نموده و با تعبیرات فراوان و مؤکد، وی را از این کار برحذر می‌دارند. به یقین مالک کسی نبود که خون بی‌گناهی را بریزد، بلکه منظور از این سخن آن است که به هنگامی که فرمان قتل افراد مهدورالدم را صادر می‌کند، نهایت دقت را به خرج دهد که بی‌گناهی به

اشتباه کشته نشود (مکارم و همکاران: ۱۱/۱۲۲). ایشان پیامدهای نکبت بار خون ناحق را یادآور می‌شوند: نزدیک شدن کيفر الهی، بزرگی مجازات الهی، نابودی نعمت‌ها و زوال حکومت. از سوی دیگر، داوری خداوند نسبت به خون‌های به ناحق ریخته شده، پیش از داوری سایر اعمال صورت می‌گیرد (سیدرضی، نامه‌ی ۵۳). این نشان از اهمیت این موضوع دارد. سپس به مالک دستور موکد می‌دهند که مبدا پایه‌های حکومت خود را با ریختن خون افراد بی‌گناه تقویت نماید؛ چرا که «ذَلِكَ مِمَّا يُضَعْفُهُ وَيُوهِنُهُ، بَلْ يُزِيلُهُ وَيَنْقُلُهُ»؛ این کار، از مصادیق قتل عمد بوده و زبان را نزد خداوند عادل قاصر نموده و تقاص آن، قصاص خواهد بود. هم‌چنین به او دستور می‌دهند که در صورتی که به غیر عمد، باعث قتل کسی شد، حتماً خون‌بها و دیه را به خانواده آن فرد پرداخت کند و در این بین، اسیر غرور قدرت و حکومت نشود (همان). امام علی علیه السلام در این مکتوبه، به خوبی به موضوع احترام به حریم خصوصی دیگران تأکید داشته و اهتمام بی‌بدیلی را نسبت به این مسئله قائل‌اند.

حضرت در قسمتی از نهج‌البلاغه به یکی از واجبات قطعی خداوند در قرآن که بر آن پاداش و کيفر می‌دهد اشاره می‌نمایند و آن این است که فردی خشم خویش را با کشتن انسانی بی‌گناه، فرونشاند. نکته قابل توجه این جاست که امام، ریختن خون فرد بی‌گناه را همتای شرک به خداوند آورده‌اند (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۵۳). یعنی به حدی تعرض به حق حریم خصوصی جان افراد بااهمیت است، که حضرت این چنین نسبت به ترک آن واکنش نشان داده و آن را از اعمالی می‌دانند که اگر فرد از آن توبه نکند، هرچقدر که خود را به زحمت اندازد یا عملش را خالص گرداند، دیگر برایش فایده‌ای نداشته و مستوجب عذاب الهی خواهد شد. در واقع قتل بی‌گناهان سبب می‌شود قاتل بی‌ایمان از دنیا برود؛ چرا که خلود و جاودانگی مخصوص افراد بی‌ایمان است (مکارم و همکاران: ۶/۱۸۰).

امیر بیان در خطبه‌ی کوبنده‌ی قاصعه، فهرستی از مفاهیم اخلاقی والای انسانی را معرفی می‌نماید. ایشان خطاب به مخاطبان خود این چنین بیان می‌دارند که اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده و کارهای نیک تعصب داشته باشید و چندین صفت

اخلاقی والا را برمی شمردند که یکی از آن‌ها، اعظام خونریزی و قتل نفس است (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۹۲)؛ زیرا آدم‌کشی لازمه‌ی خصلت ناپسند ظلم است و بر آن وعده‌ی عذاب در آخرت داده شده است و برگشت این ویژگی نیز به فضیلت عدل است (بحرانی، ۴/۴۹۷). بدیهی است که این فرمایشات حضرت، برگرفته از مفاهیم عمیق قرآنی است که از زبان باب علم رسول الله رانده شده و اهتمام به انجام این فضائل اخلاقی از جمله اعظام قتل، جهانی زیبا و عاری از بدی را رقم خواهد زد.

۲-۲-۲. اعلام برائت از خون عثمان

یکی از مهم‌ترین مباحثی که در خطبه‌ها و نامه‌های حضرت علی علیه السلام خطاب به معاویه و سایرین به چشم می‌خورد، اعلام ایشان نسبت به بری بودن از خون عثمان است. حضرت در نامه‌ی ۵۵ نهج‌البلاغه خطاب به معاویه می‌فرمایند که (تو چیزی را از من درخواست می‌کنی که دست و زبانم هرگز به آن نیالود) و منظور ایشان همان قتل عثمان است. امیرالمومنین در تمام سال‌های خلافت سرتاسر تبعیض عثمان، به‌رغم مخالفت‌های شدید با اقدامات وی، دفاع‌هایی برای حفظ جان او کردند که مبادا دامنه‌ی فتنه، اسلام را فراگیرد (مکارم و همکاران، ۸۲/۹). ایشان مخالف خلیفه‌کشی بوده و همواره نسبت به پیامدهای شوم آن هشدار می‌دادند. به طور قطع می‌توان گفت که حضرت همان‌طور که جان همه انسان‌ها را محترم می‌دانستند و تعرض به آن را امری نابخشودنی تلقی می‌نمودند، نسبت به خون عثمان نیز چنین نظری داشتند و قائل به حرمت خصوصی جان وی بودند. این‌میشم قتل عثمان را جنایتی می‌داند که امام، دست و زبان خود را از ارتکاب این جنایت پاک می‌دانستند (بحرانی، ۵/۳۱۷).

در نامه‌ی ششم حضرت در نامه‌ی خطاب به معاویه خود را نسبت به خون عثمان پاک‌ترین افراد می‌داند. پر واضح است که تلاش امام برای اثبات پاک بودن از دست داشتن در خون عثمان به جهت احترام ایشان به حق حریم خصوصی جان دیگران است. ایشان در

مکتوبه‌ای دیگر، معاویه و هم‌دستان و هم‌کیشان او را قاتلان عثمان - و در واقع ناقضان حریم جان و نفس عثمان - می‌داند (نامه‌ی ۱۰).

۲-۲-۳. انتقام خون

امام علی علیه السلام در سخنرانی پس از شنیدن کوتاهی کوفیان، به دنبال تهاجم یکی از افسران معاویه، مظلومانه زبان به شماتت کوفیان گشودند که: (با شما نمی‌توان انتقام خونی را گرفت) (سیدرضی، خطبه‌ی ۳۹). یعنی خون انسان‌ها، بسیار ارزشمند است و اگر به ناحق توسط کسی ریخته شود، سزاوار مجازات و قصاص است؛ چرا که حقی است که تنها، متعلق به دارنده‌ی آن است و به نوعی حریم خصوصی او محسوب می‌شود. ولی شما کوفیان، ناسزواری و عدم یاری حق را به حد اعلی رسانده و حتی قادر به حمایت از خون افراد، که حریم آن‌ها بوده و به آن تعدی شده، نیستید. ایشان در خطبه‌ی ۱۰۵ نیز به مسئله‌ی خون‌خواهی اشاره دارند. پروردگار، خود انتقام‌گیرنده و خونخواه خون هر بی‌گناهی است که خون‌خواهی ندارد و یا در انتقام‌گیری ضعیف است، و خون‌خاندان پیامبر و صحابیانی که خداوند خون آنان را در حمایت خود گرفته و تعدی به آن را حرام کرده، به منزله حق ثابت متعارفی برای خداوند است که آن را مطالبه خواهد کرد (بحرانی، ۳ / ۴۶).

حضرت علی علیه السلام در سخنرانی پیش از شهادت خطاب به اهل بیتشان، سخنان نابی را به عنوان وصیت، ارائه می‌کنند. ایشان به خوبی، مسئله‌ی حریم بودن جان و جسم را تبیین نموده و می‌فرمایند: «إِنَّ أُمَّتِي وَأُمَّتِي دَمِي»؛ (اگر مانند خود اختیار خون خویش را دارم) (سیدرضی، نامه‌ی ۲۳)؛ یعنی اگر شهادت نصیب من نشد و زنده ماندم، خودم مختار هستم که این ملجم را ببخشم یا قصاص کنم. چرا که جان، متعلق به من است و تصمیم برای عفو یا قصاص با من است؛ ولی اگر مزد زحمات و دلاوری‌های سال‌های رشادت و جهاد در رکاب رسول خدا و پس از شهادت ایشان، با شهادت داده شد و به دیدار رسول الله شتافتم و شما فرزندان ولی دم من شدید، قاتل را به همان شکلی که بر من زده قصاص کنید و فقط

یک ضربه به او بزیند (سیدرضی، نامه‌ی ۴۷). جالب این‌جاست که امام، عدالت را درباره‌ی قاتل خود حتی در کیفیت قصاص نیز توصیه می‌کنند که مبدا ناراحتی‌های شدید شیعیان، سبب غیر عادلانه قصاص شدن قاتل شود (مکارم و همکاران، ۱۰ / ۲۸۹).

۲-۲-۴. عدم کشتار مجروحان جنگی و تسلیم شدگان

توصیه‌های اخلاقی خطاب به جنگجویان پیش از جنگ، سرشار از نکات حفظ حریم خصوصی افراد، علی‌الخصوص حریم جان افراد است. ایشان خطاب به سربازان تحت امر خود این چنین توصیه می‌کنند که حتی در شرایط خاص جنگی نیز که شما پیروز و دشمن شکست خورده و به هزیمت رفته و برگ برنده با شماست و توان خلاص کردن مجروحان جنگی و آزار اسرا را دارید، اصول اخلاقی و انسانی را رعایت کنید و متعرض جان افراد نشوید (سیدرضی، نامه‌ی ۱۴). زیرا هدف، در هم شکستن حرکت دشمن است، نه انتقام جویی و وارد کردن ضربت بر آنان با اصول جوانمردی و انسانی سازگار نیست (مکارم و همکاران، ۹ / ۱۸۳).

۲-۲-۵. حرمت زنده به گور کردن دختران

امام علی علیه السلام در بخشی از خطبه‌ی قاصعه، به موضوع زنده به گور کردن دختران در زمان جاهلیت اشاره می‌نماید و آن را جهالتی فراگیر می‌خواند. این‌که چرا زنده به گور کردن دختران در زمان پیش از اسلام مورد توجه قرآن و به تبع آن قرآن ناطق یعنی حضرت علی علیه السلام قرار گرفته، نشان از اهمیت فراوان حرمت خون افراد در دین مبین اسلام است. جان افراد - چه زن و چه مرد - محترم است و هیچ‌کس حق ندارد با دلایل واهی متعرض آن شود. زیرا از موارد حریم خصوصی به شمار می‌رود و افراد از تعدی به آن، متحمل آزار و اذیت می‌شوند (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۹۲).

۲-۲-۳. مستندات حریم خصوصی مرتبط با روح و روان در نهج‌البلاغه

مهم‌ترین حوزه‌ی بررسی حریم خصوصی افراد، حوزه‌ی مرتبط با حیثیت انسان‌هاست. همان‌گونه که پیشتر به آن اشاره شد، اهمیتی که افراد برای حریم خصوصی قائل هستند، ناظر به حفظ کرامت و شان و شخصیت افراد است و این مهم، در حیطة‌ی آبروی افراد نمود بیشتری دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در رابطه با اهمیت والای حرمت آبرو و حیثیت مؤمن می‌فرماید: «إِنَّ حُرْمَةَ عَرَضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ وَمَالِهِ»؛ (حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال او است) (تویسرکانی، ۲۲۶/۵). ایشان همچنین در بزرگداشت حرمت آبرو و در راستای ارتقای امنیت اخلاقی جامعه می‌فرماید: «لَا تَخْرِقَنَّ عَلَيَّ أَحَدٍ سِتْرًا»؛ تو (برحذر باش) آبرو و حرمت احدی را هرگز متعرض مشو (قضاعی، ۳۵۰). مستندات حریم خصوصی مرتبط با روان در نهج‌البلاغه، تحت دو عنوان کلی «هتک حیثیت و آبرو» و «آزردن دیگران (ایذاء مؤمن)» مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

۲-۲-۳-۱. هتک حیثیت و آبرو

اغلب موارد نقض حریم شخصی افراد، ناظر به هتک عرض و آبروی آن‌هاست؛ بدین شکل که با ارتکاب اعمال و رفتاری ناشایست، به حریم آبرویی اغیار تعدی نموده و آنان را در نزد مردم، سرافکننده و شرمسار می‌سازند. این در حالی است که در آیات قرآن، به صورت مکرر، به لزوم رعایت حرمت و حیثیت مؤمن، تأکید شده است. نهج‌البلاغه نیز از این امر، مستثنا نیست:

۲-۲-۳-۱-۱. ممنوعیت تهمت

تهمت به معنای نسبت دادن کار ناشایست به دیگران است و در زمره‌ی گناهان کبیره قرار دارد. با این کار، حیثیت و آبروی فرد مقابل ریخته شده و در اذهان مردم بدنام می‌گردد. در خطبه‌ی ۲۱۰، حضرت به معرفی منافق به مردم می‌پردازند. از مهم‌ترین

ویژگی‌های منافقین، دروغ بستن به عمد به رسول خدا ﷺ است. بدی دروغ بستن به حدی واضح است که حضرت روایتی از زمان پیامبر ﷺ را مطرح می‌کنند که آن‌قدر بر ایشان دروغ بستند، که حضرت ضمن ادای خطبه‌ای، به مردم ابلاغ کردند که هرکس به عمد بر من دروغ بندد، جایگاهش آتش خواهد بود (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۱۰).

در خطبه‌ی ۷۵ نهج‌البلاغه، امام علی در برابر تهمت‌هایی که بنی‌امیه درباره‌ی شریک بودن ایشان و نزدیکانشان در خون عثمان بر حضرت وارد می‌کردند، پاسخ‌های درخوری ارائه نمودند. این رویکرد امیرالمومنین نشان می‌دهد که تهمت و نسبت دروغ، حیثیت افراد را پایمال نموده و حریم خصوصی مرتبط با روان و آبروی آن‌ها مورد هتاک قرار می‌گیرد. بنابراین خود را ملزم به ارائه‌ی جوابیه نسبت به تهمت‌های موجود می‌دانند: «آیا شناختی که بنی‌امیه از روحیات من دارند، آنان را از عیب‌جویی بر من باز نمی‌دارد و آیا سوابق مبارزات من، نادان را بر سر جای خود نمی‌نشانند که به من تهمت نزنند؟» واکنش نشان دادن حضرت نسبت به تهمت‌های وارده به ایشان، بیانگر مذموم بودن این رذیله‌ی اخلاقی است و افراد موظف هستند خود را از این عمل باز دارند و متعرض حریم خصوصی دیگران نگردند.

۲-۲-۳-۱-۲. ممنوعیت غیبت

«غیبت» به معنای افشای عیوب و گناهان آشکار و پنهانی افراد، آثار زیانبار و بسیار منفی، از نظر اخلاقی و اجتماعی دارد؛ چرا که سرمایه‌ی اصلی هرکس در اجتماع، آبروی اوست و غیبت، آبروها را بر باد می‌دهد و افراد جامعه را نسبت به یکدیگر بدبین می‌سازد و پایه‌های اعتماد را که خمیرمایه‌ی همکاری و تعاون اجتماعی است، سُست می‌کند؛ به همین دلیل در اسلام به عنوان یکی از زشت‌ترین و بزرگ‌ترین گناهان محسوب شده است. (مکارم و همکاران: ۵ / ۵۶۲).

موضوع خطبه‌ی ۱۴۰، عیب‌جویی است که در قالب غیبت نمود می‌یابد: «إِنَّمَا يَتَّبِعِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ... وَ لِيَكُنِ الشُّكْرُ شَاغِلًا لَهُ عَلَى مُعَافَاتِهِ مِمَّا ابْتُلِيَ بِهِ غَيْرُهُ». امام در این خطاب با

مضامین والای اخلاق اسلامی، مردم را از غیبت و عیب‌جویی یکدیگر نهی نموده و دلایل این نهی را به نیکی متذکر می‌شود: نخست این‌که آن‌ها که از عیب‌مبری هستند و از سلامت دین برخوردارند، باید به سبب شکرگزاری این نعمت، از غیبت و عیب‌جویی دیگران پرهیز نمایند. دوم این‌که عیب‌جویان بایستی به خوبی در احوالات خود بیندیشند؛ چرا که عیوبی به مانند آن‌چه در دیگران هست یا حتی بزرگ‌تر از آن را در خود می‌یابند. حال که خود نیز گرفتار گناهان و عیوب هستند، نباید دیگران را به همان دلیل ملامت کنند. سوم این‌که حتی اگر افراد، مرتکب گناهان کبیره نشده باشند، همین که خود را مجاز به غیبت و عیب‌جویی دیگران بدانند، مرتکب بزرگ‌ترین گناه شده‌اند. چهارم این‌که ممکن است خداوند گناه فرد غیبت‌شونده را بخشیده باشد، ولی فرد عیب‌جو را کیفر نماید. با این تفاسیر هیچ فردی در هیچ سطحی از ایمان و تقوا، مجاز به عیب‌جویی و غیبت از دیگران نیست. بدون شک هیچ فردی رضایت ندارد که در تیررس این دو رذیله‌ی اخلاقی قرار بگیرد؛ چه آن‌که سخن در همه احوال اثر خود را می‌بخشد؛ اگرچه حق و مطابق با واقع نباشد؛ زیرا آبروی انسان را مخدوش و او را از نظر کسانی که به درستی وی را نمی‌شناسند، آلوده و چرکین خواهد ساخت (بحرانی، ۳/۳۳۲)؛ در این صورت حریم شخصی او مورد تجاوز قرار گرفته و دیگران از عیوب پنهانی او مطلع می‌شوند.

در خطبه‌ی ۱۴۱ نیز امیرالمؤمنین سخنان زیبایی درباره‌ی ممنوعیت استماع غیبت، ایراد فرمودند. ایشان همان‌گونه که در ذکر خطبه‌ی پیشین بدان اشاره گردید، غیبت را به هر شکل ممکن مذموم می‌دانند. به هر حال هدف هر دو خطبه‌ی فوق، حفظ آبروی مسلمین و کمک به خوش‌بینی و اعتماد مردم به یکدیگر و پرهیز از آثار سوء غیبت و عیب‌جویی است (همان، ۵/۵۷۰). ملاحظه می‌شود که امام از طرق مختلف، راه را بر غیبت‌کنندگان و عیب‌جویان می‌بندند تا جامعه اسلامی را از این گناه بزرگ پاک سازند (مکارم و همکاران، ۵/۵۵۵).

۲-۲-۳-۱-۳. ممنوعیت سوءظن

حضرت امیر در خطبه‌ی ۱۴۱ نهج‌البلاغه، به دنبال نهی از استماع غیبت و نپذیرفتن سخنان باطل و ناروا در خصوص افراد با ایمان که سابقه‌ی مثبتی در دین‌داری دارند، به مسئله‌ی عدم سوءظن و توجه نمودن به شایعاتی که در میان مردم مطرح می‌شود، اشاره می‌کنند. ایشان مردم را این‌چنین پند می‌دهند که مادامی که عیب فردی را با چشم خود ندیده و بدان یقین نکرده‌اید، بمجرد شنیدن از دیگران باور نکنند.

اگر مردم جهان همین جمله‌ی امام در این خطبه که «میان حق و باطل چهار انگشت بیشتر فاصله نیست» را به خاطر بسپارند، و همیشه و در همه جا به آن عمل کنند، به یقین خوش‌بینی و حسن‌ظن جای بدبینی و سوءظن، و اعتماد جای بی‌اعتمادی، و محبت جای نفرت و کینه‌توزی را خواهد گرفت و شایعات بی‌اساس از رونق افتاده و شایعه‌پردازان به اهداف شوم خود نخواهند رسید و روح سلامت و خوش‌بینی بر جامعه حاکم می‌شود (مکارم و همکاران: ۵/۵۷۳).

۲-۲-۳-۱-۴. پرده‌داری

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ی ۱۹۴، در اشاره به ردائیل اخلاقی منافقین، آن‌ها را افرادی می‌دانند که اگر کسی را سرزنش کنند، پرده‌داری نموده و عیب‌های وی را آشکار و از این طریق او را شرمنده و سرافکنده می‌سازند و بسا این‌که عیب‌های او را در حضور کسی به او می‌گویند که مورد پسند وی نیست و این‌ها از آن ناصحان خیراندیش نیستند که در هنگام عتاب و بازخواست، پرده از گناه انسان بردارند و به کنایه‌ای لطیف و سر بسته اکتفا کنند (بحرانی، ۳/۷۷۹). در حالی که اسلام دستور می‌دهد این کار با ظرافت و دقت انجام شود؛ نه آبروی مسلمانی بریزد و نه در دل ناراحت شود و غمگین گردد (مکارم و همکاران، ۷/۶۱۱-۶۱۲).

۲-۲-۳-۲. آزرده شدن دیگران (ایذاء مومن)

حریم خصوصی دارای مفهومی موسع است و هر بار ابعاد جدید و خاصی از آن ظاهر می‌شود. همان‌گونه که در تبیین مفهوم حریم خصوصی اشاره گردید، حریم خصوصی وقایع آزرده‌کننده - آزار روحی - را نیز در بر می‌گیرد. گاهی پیش می‌آید که نقض حریم خصوصی افراد، با هتک حیثیت و آبروی آنان همراه نیست؛ بلکه صرفاً آزار و اذیت‌های روحی برای افراد به بار می‌آورد. بدیهی است که روان افراد، یکی از اساسی‌ترین ابعاد وجودی و چه بسا مهم‌ترین بُعد وجودی اوست و هیچ فردی تمایل به بازگذاشتن دست دیگران در تجاوز به حریم روانی‌اش را ندارد. هرگونه اتفاقی که افراد را آزرده‌خاطر و ناراحت نماید، ناقض حریم خصوصی آنان به شمار می‌رود؛ مواردی از جمله تجسس و عیب‌جویی، پیمان‌شکنی، خدعه و نیرنگ، خیانت، پرده‌داری، سب و دشنام، سرزنش، خشونت، ارباب و تهدید، طعنه، افشای سر و بی‌حیایی زیرمجموعه‌ی این دسته قرار می‌گیرند.

۲-۲-۳-۱. تجسس و عیب‌جویی

تجسس و عیب‌جویی از بارزترین مصادیق نقض حریم خصوصی افراد است که از نگاه تیزبین حضرت دور نمانده و ترک این رذیله‌ی اخلاقی، بسیار مورد تأکید ایشان قرار گرفته است: (خوشا به حال کسی که پرداختن به حال خویش، او را از پرداختن به عیب مردم باز می‌دارد) (خطبه‌ی ۱۷۶). بدین مفهوم که در بهترین افراد نیز معایبی وجود دارد و هرگاه به عیب‌جویی دیگران پردازد، از خود و اصلاح خویش غافل می‌شود و هرگز از نظر تهذیب اخلاق و سیر الی الله به جایی نمی‌رسد (مکارم و همکاران، ۶/۶۰۳)؛ به عبارتی دیگر، حضرت علی علیه السلام با متوجه ساختن فرد به عیوب خودش، او را از سرک کشیدن به حریم شخصی دیگری و نقض آن برحذر می‌دارند. حضرت به کرات و در مناسبت‌های گوناگون مردم را از تجسس در امور دیگران، در جهت پیدا کردن عیوب پنهان آن‌ها، به شدت برحذر می‌دارند. ایشان در نامه‌ی ۵۳، خطاب به مالک اشتر نیز همین نصایح را بیان داشته

و به او یادآوری می‌نمایند که لازم است فرمانروا و حاکم اسلامی، همواره پوشاننده‌ی عیوب مردم بوده و ضمن عدم تجسس در امور پنهانی آنان، خواستار آشکار شدن ایرادات پنهانی‌شان نباشد؛ زیرا داوری آن‌چه از انظار عموم پنهان است بر عهده‌ی خداوند تبارک و تعالی است و هیچ‌کس حق تعارض به حریم شخصی دیگری را ندارد.

۲-۲-۳-۲-۲. پیمان شکنی

یکی از مهم‌ترین اصولی که بر پایه‌ی آن روابط اجتماعی شکل گرفته و پایدار می‌مانند، مراعات عهد و پیمان است. این مقوله در تمام مکاتب و ادیان مورد تأکید ویژه بوده و ناقضان عهد و پیمان‌های فردی و اجتماعی، گناهکار و مجرم به شمار می‌آیند؛ چرا که در این صورت علاوه بر آن‌که یکی از پایه‌های نظام اجتماعی که همان اعتماد متقابل بین مردم است را زیر سؤال برده و خدشه دار نموده، از سوی دیگر موجبات ناراحتی و تکدر خاطر افراد را فراهم می‌سازد. بدیهی است که آزردن روان دیگران به هر طریقی، از جمله به وسیله‌ی نقض عهد، نوعی ستم‌کاری بوده و حریم روح و روان افراد را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

امام علیه السلام در نهج البلاغه، وفا را به «سپری» تشبیه می‌نمایند که چیزی محکم‌تر و نگهدارنده‌تر از آن وجود ندارد (خطبه‌ی ۴۱). ایشان وفای به عهد را ملازم صدق و راستی می‌دانند. چرا که آن‌کس که پیمانی را می‌بندد و خود را ملزم به انجام کاری می‌داند و سپس آن را می‌شکند، در واقع دروغ گفته و از صداقت به دور است. در واقع پذیرش یک مسئله، انجام آن را اقتضا می‌کند. تشبیه وفا به سپر نیز این حقیقت را بازگو می‌کند که خطرات اجتماعی که معمولاً ناشی از بی‌نظمی‌ها و قانون شکنی‌ها است، به وسیله‌ی سپر وفا به عهد از میان می‌رود (مکارم و همکاران: ۲ / ۴۵۰).

۲-۲-۳-۲-۲. خدعه و نیرنگ

فریبکار برای رسیدن به مقصود نامشروع و چاره‌جویی در دستیابی به خواست خود،

به زرنگی و هوشیاری نیازمند است؛ چنان‌که شخص زیرک برای رسیدن به مقصود خیرخواهانه و جهات مصلحت به هوشیاری، زرنگی و درست‌اندیشی احتیاج دارد؛ بنابراین هم شخص فریب‌کار و هم فرد زیرک، به هوشیاری نیازمندند، اما فریب‌کار برای استنباط اندیشه‌ای که مبتنی بر حيله است تلاش می‌کند؛ هر چند با قوانین شریعت مخالف باشد و مصالح کلی را در رابطه با مصلحت جزئی پایمال کند (بحرانی، ۲۲۷/۲).

بهترین مثال برای این موضوع، تقابل امام علی علیه السلام و معاویه‌ی حيله‌گر و معاونش عمرو عاص است که در مسئله‌ی حکمیت، خدعه به کار بستند و توانستند از مهلکه بگریزند. اما امام، علی‌رغم قدرتی که بر حيله کردن داشت، از این رذیلت اخلاقی گذشت تا نام نیکویش تا ابد جاودانه بماند. این همان چیزی است که امیرالمؤمنین در یکی از خطبه‌های نهج‌البلاغه، ضمن اشاره به سیاست‌های دروغین معاویه به آن اشاره کرده، می‌فرماید: (سوگند به خدا، معاویه از من سیاست‌مدارتر نیست، اما معاویه حيله‌گر و جنایت‌کار است. اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم، ولی هر نیرنگی گناه، و هر گناهی نوعی کفر و انکار است) (سیدرضی، خطبه‌ی ۲۰۰).

مطابق مضامین سخنان حضرت در نهج‌البلاغه، نیرنگ و یژگی کسانی است که نسبت به روز قیامت باور و شناخت ندارند (سیدرضی، خطبه‌ی ۴۱). یعنی اگر کسی عمیقاً و قلباً معتقد به روز حساب باشد، محال است به حيله‌گری و غدر، حتی بیندیشد؛ چرا که پایان کار را می‌بیند. این که امام فریب را به نادانی درباره‌ی معاد و بازگشت به سوی خداوند نسبت داده‌اند، برای این است که حضرت می‌خواهند وفای به عهد را ستوده و افراد را بر وفاداری نسبت به پیمان‌ها ترغیب کنند (بحرانی؛ ۲۲۶/۲). حضرت در ادامه به این موضوع اشاره می‌کنند که متاسفانه در زمانی زندگی می‌کنیم که مردم حيله‌گری و مکر را مساوی با ذکاوت و هوشمندی و کیاست می‌دانند؛ حال آن‌که امر و نهی الهی مانع حيله‌گری‌هاست و آن‌کس که از گناه و مخالفت با پروردگار باری تعالی باکی ندارد، دست به فریب می‌زند (خطبه‌ی ۴۱). و بدین‌گونه انجام حقه و خدعه، با توجه به تغییر نگرش فرد نسبت به

موضوعی خاص و به اصطلاح، گول زدن او و نیز تاثیر منفی که در اذهان افراد دارد، به نوعی نقض حریم خصوصی اندیشه و روان آنان به شمار می‌رود.

۲-۲-۳-۲-۲. خیانت

خیانت در لغت به معنای ممانعت از حق است (قرشی، ۳۱۴/۲). راغب اصفهانی خیانت و نفاق را یکی می‌داند. با این تفاوت که خیانت به وسیله پیمان شکنی پنهانی است (راغب اصفهانی، ۳۰۵). خیانت در کل به معنای اجتناب از پرداخت حقوقی است که انسان پرداختن و عمل به آن را متعهد شده است و آن ضد امانت است (شکیبا و اسماعیل‌پور، ۴۵)؛ لذا نقض حریم خصوصی به شمار می‌رود.

حضرت علی علیه السلام در بخش پایانی خطبه‌ی قاصعه، به معرفی خود پرداخته و ویژگی‌های اخلاقی‌شان را مطرح می‌کنند؛ از جمله آن‌که: «وَإِنِّي لَمِنْ قَوْمٍ... لَا يَغْلُونَ» (و همانا من از کسانی هستم که... نه خیانت‌کارند) (سیدرضی، خطبه‌ی ۱۹۲). با توجه به این‌که خیانت و فساد در این‌جا به صورت مطلق آمده، خیانت و فساد در عقاید و اخلاق و اموال و تمام شؤون زندگی را شامل می‌شود (مکارم و همکاران، ۵۲۵/۷) و تجاوز به حریم روانی انسان‌ها محسوب می‌شود.

۲-۲-۳-۲-۲. سبّ و دشنام

سبّ به معنای به کار بردن الفاظ نامناسب و توهین‌آمیز و هتاکانه نسبت به دیگران است و از لحاظ حقوقی نیز جرم محسوب شده و بار کیفری دارد. بر اساس توصیه‌های اخلاقی مهمی که در خطبه‌ی ۲۰۶ آمده، مسلمانان وظیفه دارند از هرگونه توهین و فحاشی مؤمن مسلمان پرهیزند؛ حتی اگر بر حق باشند: «إِنِّي أكره لكم أن تكونوا سبّابين». «سبّاب» به کسی گفته می‌شود که بسیار بدگویی می‌کند و حقیقت «سبّ» بدگویی کردن و دشنام دادن توأم با هتک طرف است (همان، ۱۰۰/۸). حضرت پس از استماع فحاشی برخی از

یارانشان به اصحاب معاویه در صفین، آن‌ها را از این عمل به شدت نهی نموده و در عوض، به تبیین مواضع دشمن و حالات و کردار آن‌ها تشویق می‌نمایند. نیز از اصحاب خود می‌خواهند که به جای سبّ دشمنان، در حق آن‌ها دعا کنند تا خونی بیهوده ریخته نشود و از گمراهی خارج شوند. ایشان حتی دشنام به دشمن یاغی را هم مجاز نمی‌دانند و بدین‌سان، نحوه‌ی احترام به حریم خصوصی دیگران را پیش چشم همگان نمایان می‌کنند.

۲-۲-۳-۲-۶. سرزنش

سرزنش (در این جا سرزنش منفی مدنظر است) به معنای ملامت دیگری، با یادآوری و اشاره به اعمال خطایی است که انجام داده و این عمل از جانب دیگران، تأثیرات منفی بر روان و افکار افراد ملامت شده می‌گذارد و شخصیت و کرامت افراد را زیر سؤال می‌برد. نامه‌ی ابتدایی نهج البلاغه، حامل مفهومی مبتنی بر نهی سرزنش دیگران است. امام علی علیه السلام در این نامه با هدف افشای نیت ناپاک سران جمل، اتفاقات پیش از کشته شدن عثمان که به قتل او و سپس بیعت با حضرت منجر شد را بازگو نموده و تصریح می‌کنند که کمتر از دیگران خلیفه را سرزنش می‌کرده‌اند. بدان معنی که سرزنش سایرین را -گرچه در خور سرزنش باشند- مذموم می‌شمارند. بدان سبب که با سرزنش و عتاب دیگری، حریم خصوصی افکار و روان او مورد حمله قرار گرفته و بدان تعدی می‌شود.

۲-۲-۳-۲-۷. خشونت

خشونت از نظر لغوی، به غضب، درشتی، تندی کردن و ضد لینت و نرمی تعریف شده است. از برخی خشونت، عملی خلاف هنجارها و طبع می‌باشد. گروهی دیگر خشونت را هر نوع رفتار خشنی می‌دانند که از روی قصد و به منظور آسیب‌رسانی به فرد دیگر صورت می‌پذیرد. به هر حال خشونت عاملی آسیب‌رسان است که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش انجام می‌دهد و می‌تواند جنبه‌ی فیزیکی یا روانی داشته باشد (جهانی جناقرد، ۸۹۸). در خطبه‌ی ۲۲۰، به دنبال ارائه‌ی ویژگی‌های اخلاقی از سالک الی‌الله، او فردی

معرفی می‌شود که خشونت اخلاقی به نرمی گراییده است. یعنی فردی که پوینده‌ی راه الهی باشد، نفس خود را از این رذیله می‌رهاند؛ چراکه خشونت، روان افراد را شدیداً درگیر نموده و آن‌ها را آزار می‌دهد.

۲-۲-۳-۲-۲. ارباب و تهدید

تهدید یعنی وعده عقوبت دادن به دیگران و در اصطلاح حقوق به معنای ایجاد بیم بر جان، مال یا آبروی دیگری می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۸۳). امام اول شیعیان در دستورالعملی اخلاقی، روح و جان ماموران جمع‌آوری زکات را با توصیه‌هایی اخلاقی و اجتماعی، جلا می‌دهند. مرحوم شریف رضی درباره‌ی نامه‌ی ۲۵ نهج‌البلاغه می‌گوید: (ما بخشی از این وصیت را در این‌جا آوردیم تا معلوم شود امام همواره ارکان حق را به پا می‌داشت و فرمان به عدل صادر می‌کرد؛ چه در کارهای کوچک و چه بزرگ، ارزشمند یا بی‌ارزش). در بخش ابتدایی این مکتوبه، حضرت به کارگزاران جمع‌آوری مالیات دستور می‌دهند مانند فرمانروایان ستمکار، در دل مسلمانان رعب ایجاد نکنند (بحرانی، ۷۱۲/۴). هم‌چنین در اثنای این نامه، توصیه به عدم تهدید مؤدیان مالیاتی نیز، از بیانات حضرت است. بدون شک، بر مبنای تعریفی که از حریم خصوصی ارائه گردیده، ارباب و ایجاد وحشت در وجود مردم و تهدید آنان، روحشان را پریشان خواهد نمود و تعدی به قلمرو روانی آن‌ها به شمار می‌آید.

۲-۲-۳-۲-۲. طعنه

می‌توان از طعنه، به عنوان یکی از بدترین ویژگی‌های اخلاقی افراد نام برد که ناراحتی و دل‌مشغولی و سلب آرامش، برخی از تبعات منفی این رذیله هستند که بر جان طعنه‌شونده اثر می‌گذارند. افراد طعنه‌زن، توجهی بی‌اندازه به عیوب دیگران داشته و با حالتی ملامت‌گرانه به همراه نیش و کنایه و شماتت، این نواقص را مدام به او یادآوری می‌نمایند.

خطبه‌ی ۱۱۹ هنگامی ایراد گردید که امام از فشل بودن برخی از یاران خود، در مقابله با حملاتی از لشکر معاویه، ابراز ناراحتی نمودند. جهادگريزان در مقابل تشویق امام به جهاد، خطاب به ایشان این چنین عرضه داشتند که اگر حرکت کنی، ما نیز حرکت خواهیم کرد! و در واقع وظایف متعدد حضرت برای مدیریت جامعه اسلامی را نادیده گرفتند. بدین ترتیب امام، ضمن ایراد خطبه، برخی خصائص رذیله‌ی آنها را که منجر به بروز چنین وضعی در دین و دنیای آنان شده نام بردند. از جمله آن‌که آنان را بسیار طعنه‌زن خواندند. پر واضح است که روح و روان حضرت از رفتار طعنه‌زننده‌ی آنان مجروح شده و بدین‌سان ابراز ناراحتی و دلخوری می‌نمایند.

۲-۲-۳-۱۰. افشای اسرار

«افشای سر»، آگاه کردن شخص یا اشخاص ثالث از راز کسی، به هر وسیله، کتبی یا شفاهی و مانند آن است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۲۸۴). حتی گفته می‌شود که آن دسته از اطلاعاتی که از نظر جامعه، راز محسوب نمی‌شوند، ولی به هر دلیلی برای اشخاص مهم است که مکتوم بمانند نیز راز حساب می‌شوند (داستانی، ۱۱۷-۱۲۰).

این مسئله در نهج‌البلاغه از دو جهت قابل بررسی است: نخست آن‌که هر فردی مسئول نگهداری از اسرار خویش است؛ به‌گونه‌ای که اختیار رازها همواره به دست او خواهد بود (حکمت ۱۶۲) و چنین فردی، اندیشمند و عاقل است (حکمت ۴۸)؛ گاهی افشای سر سبب سوء استفاده دشمن می‌گردد و کاری که ممکن است به سادگی انجام گیرد بسیار پیچیده و پرهزینه می‌شود (مکارم و همکاران، ۳۲۶/۱۳)؛ دوم آن‌که افراد غیر، بایستی مراعات حریم شخصی دیگران را مدنظر داشته باشند؛ آن‌چنان‌که امام علی علیه السلام در مکتوبه‌ی ۵۳، ضرورت حفظ اسرار مردم را به مالک گوشزد می‌نمایند. بسیار می‌شود اسراری نزد انسان است که اگر بازگو کند آبروی افراد آبرومندی که زمانی گرفتار لغزشی شده‌اند می‌ریزد و یا سبب شماتت دشمن نسبت به خود انسان می‌شود، زیرا مصیبتی به انسان

رسیده که اگر آن را مکتوم دارد یک مصیبت است و اگر آشکار کند مصیبت شماتت دشمنان به آن افزوده می‌شود (همان/۳۲۷). بر اساس آنچه گفته شد، افشای اسرار موجبات ناراحتی شدید افراد را فراهم می‌سازد.

۲-۲-۳-۱۱- بی‌حیایی

بر اساس سخنی از امام در حکمت ۲۱۴ نهج‌البلاغه، می‌توان ایجاد امنیت روانی در فرد و جامعه، یعنی نظم‌بخشی و تنظیم اعمال و رفتار و کردار و هنجارهای انسان در هر دو بُعد فردی و اجتماعی را از مهم‌ترین آثار حیا دانست (قاسمی شهری، ۱۳۰). وقاحت و بی‌حیایی موثرترین عامل در به هم‌ریختگی و هرج و مرج اخلاقی در جامعه است (همان، ۱۲۱). و تأثیرات منفی پایدار در اذهان دیگران به جا می‌گذارد و این، همان حریم روانی است که در این مقال از آن سخن به میان آمده و مورد نکوهش شدید امیر بیان قرار گرفته است.

یکی از توصیفات متقین در خطبه‌ی «همام»، اشاره‌ی حضرت به مقام عفت و پاکدامنی آن‌هاست. همان عفتی که انسان را وادار به چشم‌پوشی از هوا و هوس و گناه می‌کند و به تعبیر دیگر هواپرستی و گناه در نظر آن‌ها بی‌رنگ می‌شود؛ به‌گونه‌ای که از مشاهده‌ی صحنه‌های زشت و آلوده متنفر می‌شوند (مکارم و همکاران، ۵۴۵/۷). حضرت در جای دیگر، به دنبال ذکر خصال نیکوی سلمان فارسی، وی را فردی می‌دانند با دامن پاک و عفیف از دنیا کوچ نمود (خطبه‌ی ۲۲۸). نیز در حکمت ۴۷، پاکدامنی هر فردی را به اندازه غیرت او می‌دانند. از نظر ایشان، پاداش عفیف پاکدامنی که قدرت بر گناه دارد و آلوده نمی‌گردد، کمتر از مجاهد شهید در راه خدا نیست (حکمت ۴۷۴).

در بخشی از خطبه‌ی ۸۴، امام ضمن تقبیح اعمال و رفتار خبیثانه‌ی عمروعاص، بزرگ‌ترین نیرنگ او را کشف عورتش، برای فرار از دست حضرت می‌داند و بدین‌شکل، دست به روی یکی از نقاط ضعف بزرگ عمروعاص که همانا بی‌حیایی اوست گذارده و او را مورد عتاب قرار می‌دهند.

نتایج مقاله

۱. حمایت از حق حریم خصوصی افراد از مهم‌ترین مسائل موجود در کلام امام علی علیه السلام در کتاب نهج‌البلاغه است. ایشان در شرایط و موقعیت‌های گوناگون به پشتیبانی و حمایت از این حق همت گماشته و مشوق دیگران در این راه بودند.
۲. توجه بی‌بدیل ایشان به مسئله‌ی حریم خصوصی در زمینه‌ی اموال، تحت دو موضوع «تعلق اموال به صاحبان آن» و «تقبیح و عدم جواز مال نامشروع» ارزیابی گردید.
۳. در حوزه‌ی مرتبط با جسم نیز اشاره مطلق به حرمت خون، عدم کشتار مجروحان جنگی، انتقام خون، حرمت خون بی‌گناه و اعلام برائت از خون عثمان، اهم مستندات در این زمینه بودند.
۴. نقض حریم شخصی افراد در حوزه‌ی مرتبط با حیثیت افراد، نمود بیشتری دارد و در نهج‌البلاغه نیز بیشتر بدان پرداخته شده است. عناوینی چون تهمت، غیبت، شایعه‌پراکنی و توجه به شایعات، ذیل «هتک حیثیت و آبرو»، و وفای به عهد، خدعه و نیرنگ، خیانت، عیب‌جویی، سب، سرزنش، ارباب و تهدید، خشونت، طعنه، رازداری، بی‌حیایی ذیل «آزردن دیگران» بررسی گردیدند.
۵. آنچه واضح و مبرهن است، اهتمام بی‌نظیر ایشان به این چنین مفاهیم متعالی است که سابقه‌ی پرداختن به آن در دنیای مدرن، خیلی طولانی نیست. امید آن می‌رود با کاربردی کردن منویات ایشان در نهج‌البلاغه، گام بلندی در جهت حفاظت از حریم خصوصی در جهان برداشته شود.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، تهران، جلد ۱، ۱۳۷۷.
۳. انصاری، باقر، آزادی اطلاعات، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۸۷.
۴. بحرانی، ابن میثم، شرح نهج البلاغه ابن میثم. ترجمه‌ی قربانعلی محمدی مقدم، انتشارات مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد، ۱۴۱۷ قمری.
۵. نویسندگان، محمدنبی بن احمد، لثالی الأخبار، انتشارات العلامة، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۶. ثروتی، لیلا؛ مومنی ازدریانی، امیرحسین، چالش‌ها و مسائل قانونی پیرامون حریم خصوصی در تجارت سیار، کنفرانس دولت همراه، مشهد مقدس، ۱۳۸۸.
۷. جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، ۱۳۸۶.
۸. جهانی جناقرد، میلاد، خشونت خانگی علیه زنان در ایران، فصلنامه‌ی بین‌المللی قانونیاری، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی پانزدهم، ۱۳۹۹.
۹. حرانی، حسن ابن شعبه، تحف العقول عن آل الرسول، موسسه فرهنگی دارالحدیث، قم، ۱۳۹۳.
۱۰. حلی، نجم‌الدین، الرسائل التسع، کتابخانه‌ی آیت الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۱. داستانی، وجیهه، بررسی مسئولیت ناشی افشای راز بیماران، نشریه‌ی پایش، سال شانزدهم، صص ۱۱۷-۱۳۰، ۱۳۹۵.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ قمری.
۱۳. سیدرضی، محمدبن حسین، نهج البلاغه به تصحیح صبحی صالح، دارالاسوه، ۱۴۱۵هـ.ق.
۱۴. همو، نهج البلاغه به ترجمه محمد دشتی، قم، انتشارات رسالت، ۱۳۸۸هـ.ش.
۱۵. شکیبیا، محمدرضا؛ اسماعیل‌پور، حیدر، بررسی مفهوم خیانت اینترنتی و تأثیرات آن بر نهاد خانواده، معرفت، سال سی و دوم، شماره‌ی پنجم، پیاپی ۳۰۸، ۱۴۰۲.
۱۶. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک‌الافهام، تحقیق موسسه معارف اسلامیة، قم، ۱۴۱۳ قمری.
۱۷. عروسی الحویزی، عبدعلی، تفسیر نورالتقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ قمری.
۱۸. قاسمی شهری، سیدعلی، علل و آثار کاهش حیا و افزایش بی‌حیایی و راهکارهای بیرون‌رفت از این وضعیت، دانشنامه‌ی علوم قرآن و حدیث، سال سوم، شماره‌ی ششم، ۱۳۹۵.
۱۹. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۱.
۲۰. قضاعی، محمد بن سلامه، شهاب‌الاجبار، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۹۲.
۲۱. طاهری، محمدعلی؛ انصاری، مسعود، دانشنامه حقوق خصوصی، انتشارات محراب فکر، تهران، ۱۳۸۳.
۲۲. کارل، هوسمن، حمایت از حریم خصوصی افراد در برابر حق آگاهی، ترجمه‌ی داوود حیدری، فصلنامه‌ی رسانه، سال هفتم، شماره ۳، ۱۳۷۰.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار التعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ قمری.
۲۴. مسعودی، محمداسحاق، حریم خصوصی و نظارت اجتماعی از منظر قرآن و نهج البلاغه، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی، قم، ۱۳۹۶.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام امام‌المومنین، انتشارات امام علی ابن ابیطالب علیه السلام، قم، ۱۳۹۰.

26. Prosser, Dean William. "Privacy". California Law Review, Berkeley, No 48, 1960.

27. Solove, Daniel J. Understanding privacy. Harvard College Publications, Cambridge, MA, 2010.

28. Warren Samuel and Brandeis, Louis D, "The Right to Privacy". Harvard Law Review, No 193, Cambridge, Harvard Law School, 1890.